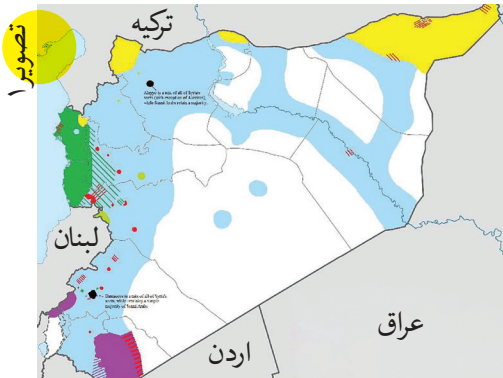


- مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی
- قائم‌مقام مدیرمسئول: مسعود فروغی
- سردبیر: محمد زعیم‌زاده
- دبیر وقایع اسرائیلیه: محمدصادق علیزاده
- تلفن و فکس: ۶۲۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
- کدپستی: ۱۱۳۵۶۳۸۱۶
- جواب: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم



«وقایع اسرائیلیه» از انگیزه‌های مداخله نظامی اسرائیل به نفع دروزی‌ها در جنوب سوریه گزارش می‌دهد

دست‌عبری

پشت‌مرزهای پاریسی



محمد صادق علیزاده

«رسیدن به پشت‌مرزهای ایران آن هم از روی زمین.» سوژه این سطور درگیری‌هایی است که در هفته‌های گذشته در سویدا واقع در جنوب سوریه روی داد. بیابید یک بار صورت‌ظاهری مسئله را مرور کنیم. روابط یک فرقه در جنوب سوریه - که در اقلیت هم هستند - بنا به دلایلی که بر ما معلوم نیست با حاکمان فعلی سوریه متشنج می‌شود. تشنج بالا می‌گیرد و کار به نزاع نظامی و امنیتی می‌رسد، دوطرف روی هم اسلحه می‌کشند، در هریک از جبهه‌ها عده‌ای در خون خود می‌غلطند، نزاع و درگیری بالا می‌گیرد، بخشی از عقبه اجتماعی این فرقه داخل اراضی تحت‌اشغال اسرائیل زندگی می‌کنند و رهبر این‌ها از حاکمان تل‌آویو درخواست کمک می‌کند. ادامه ماجرا هم همان است که در رسانه‌ها و گروه‌ها و شبه‌رسانه‌های تلگرامی فارسی دیده‌ایم. جنگنده‌ها و پهپادهای نیروی هوایی ارتش عبری از راه می‌رسند، در ادامه هم بر سپاهیان جولانی آتش می‌ریزند. قضیه متوقف به جنوب سوریه نمی‌شود؛ اسرائیلی‌ها برای اینکه حاکمان فعلی سوریه را تحت فشار بگذارند با بمباران بعضی مناطق در دمشق پایتخت سوریه - از جمله وزارت دفاع - سعی دارند به نظام جدید زخم بزنند؛ زخمی که بتواند حاکمان دمشق را به این نقطه برساند که شعله درگیری و فشار را بر فرقه مورد اشاره پایین بکشند. این تمام چیزی است که در صورت‌ظاهری مسئله دیده می‌شود. ظاهراً قضیه چیزی است غیرمرتبط با ایران و منافع ملی آن.

اسرائیل دنبال چیست؟

برخلاف بالغ بر ۲۰۰ کلمه‌ای که در بندهای قبلی صورت‌مسئله را توصیف می‌کردند، منازعه در جنوب سوریه بر سر دروزی‌هایی ارتباط با ایران و منافع ملی ایرانیان نیست. از تفصیل خودداری کنیم. اسرائیل در منازعه جنوب سوریه دنبال چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید کمی در میان نقشه‌ها و جغرافیا بالا و پایین رفت. تصویر ۱ وضعیت امروز سوریه است. اگر از سوریه سخن می‌گوییم از یک کشور ایستاده بر لبه تجزیه حرف می‌زنیم. جولانی و حاکمیتش که مدعی قدرت رسمی دمشقند بر همه خاک این کشور حاکمیت ندارند. مناطق آبی‌رنگ، بخش‌هایی از سوریه است که حکومت جولانی بر آن‌ها حاکمیت دارد. مناطق سفیدرنگ، مناطق رها شده صحرایی و بیابانی‌اند. مناطق بنفش‌رنگ، مناطق فرقه دروزی‌هاست. زردها

هدف: پشت‌مرزهای ایران و ترکیه

برای ادامه بحث سراغ تصویر ۲ برویم. همان‌گونه که در تصویر قبلی دیدیم، بخش‌هایی از جنوب سوریه در کنترل دروزی‌هاست. بخش‌های هم‌مرز با عراق هم مناطق رهای صحرایی و بیابانی‌اند. اگر رژیم اسرائیل بتواند در جنوب سوریه مانع سرریز شدن نیروهای جولانی به سمت جنوب و چسبیدن آن‌ها به مرز شود یک نوار حائل در این منطقه ایجاد خواهد شد که خالی از نیروی نظامی است. این نوار می‌تواند در حکم دالانی باشد که اسرائیلی‌ها از روی زمین بتوانند خودشان را به شرق سوریه و مناطق کردنشین برسانند. کردهایی که هم پیمان آمریکایی‌ها هستند؛ نفس این

منطقه حیاتی حائل

البته ذکر این مسائل به این معنا نیست که تنها دلیل اسرائیلی‌ها برای ممانعت از چسبیدن نیروهای سوری به جنوب اسرائیل فقط مسئله ایران و سوریه است. انگیزه این اقدام (جلوگیری از چسبیدن نیروهای جولانی به مرز) چند دلیل توأمان است. علاوه بر آنچه در سطور فوق تشریح شد، بخش مهم دیگری از انگیزه اسرائیلی‌ها آن است که آن‌ها از بدنه میانی نیروهای جولانی هم به شدت احساس خطر می‌کنند. از دید اسرائیلی‌ها شاید شخص جولانی در رأس نظام فعلی سوریه به مدد بسته‌های تشویقی غرب و آمریکا قابل مهار باشد؛ اما لایه‌های بعد از وی همان سلفی‌ها و جهادی‌های رادیکال چندملیتی هستند که همان قدر که با ایران و علوی‌ها دشمنند، با صهیونیست‌ها و اسرائیل هم خصومت دارند. از همین جهت

هم بخش‌هایی از خاک سوریه‌اند که تحت حاکمیت کردها قرار دارند. سبزها مناطق ساحلی علوی‌نشین محسوب می‌شوند. با این حساب وقتی سخن از کشور سوریه می‌شود یا یک مفهوم یکپارچه روبه‌رو نیستیم که قدرت مرکزی بر تمام نقاط آن اعمال حاکمیت می‌کند. سوریه امروز ایستاده بر لبه پرتگاه تجزیه است. وضعیت متزلزل امروز مانند سنگ‌های نامرتبی است که به زحمت روی یکدیگر چیده شده و هر آن ممکن است با اندک ضربه‌ای از هم بپاشند. سوریه حتی اگر رسماً تجزیه هم نشود اما وضعیت امروزش یک وضعیت شبه‌تجزیه است. با این اوصاف در تحلیل مسائل منطقه با یک کشور یکپارچه با حاکمیت متمرکز روبه‌رو نیستیم. هر کشور غیرهمراه با سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا که مساحت سرزمینی بزرگی

مسئله یعنی اتصال زمینی شرق سوریه به قنطره و بلندی‌های جولان در جنوب غربی سوریه که منطقه تحت نفوذ رژیم اسرائیل محسوب می‌شود و این یعنی رسیدن اسرائیل از روی زمین به پشت‌مرزهای ایران و ترکیه. مناطق کردنشین سوریه و عراق مناطقی محسوب می‌شوند که به شدت مستعد فعالیت‌های ضدامنیتی علیه ایران و ترکیه محسوب می‌شوند. به خصوص که اقلیم کردستان عراق از یک سو با نواری مرزی ایران هم‌مرز است و از سوی دیگر با مناطق کردنشین سوریه. با این اوصاف بخشی از منفعت اسرائیلی‌ها برای حمایت از دروزی‌های جنوب سوریه، خالی

داشته باشد - فارغ از اینکه اصلاً قدرت متمرکز مرکزی بر آن حکمرانی کند یا نه - برای رژیم اسرائیل در حکم یک زنگ خطر است. از این جهت در منطقه یا نباید کشورهایی بزرگ با تمامیت ارضی بالا وجود داشته باشند یا اگر هم وجود دارند باید تا حد امکان ضعیف و بی‌خطر باشند. کشور بزرگ مصر با آن پیشینه و تاریخ نمونه دسته دوم است. سایر کشورهای بزرگ هم با باید تجزیه شوند یا ضعیف. حالا شاید بهتر بتوان درک کرد که چرا تجزیه سوریه یا راندن این کشور به وضعیت شبه‌تجزیه مطلوب‌ترین حالت برای رژیم اسرائیل باشد. سوریه بزرگ فارغ از آنکه خاندان اسد حاکم آن باشند یا جولانی یک خطر برای اسرائیل است. برای همین یا باید تجزیه شود یا در همین حالت شبه‌تجزیه فعلی قرار داشته باشد.

ماندن نوار جنوبی مرزی سوریه و عراق برای برقراری یک دالان ارتباطی بین شمال سرزمین‌های اشغالی و مناطق کردنشین شرق سوریه است. برقراری این کریدور باعث ایجاد یک کانال برای اسرائیلی‌هاست که خودشان را پشت‌مرزهای ایران و ترکیه برسانند و با ایجاد هسته‌ها و پایگاه‌های ضدامنیتی برای این دو کشور ایجاد هزینه کنند. اهمیت این نکته وقتی مضاعف می‌شود که بدانیم اسرائیلی‌ها پیش از این در کشور آذربایجان چنین پایگاهی راه‌اندازی کرده‌اند، به‌گونه‌ای که کشور آذربایجان مبدأ بخشی از اقدامات خصمانه علیه ایران در جنگ ۱۲ روزه بود.

مقاومت نیز همراهی و همکاری داشته‌اند. دست برتر پیدا کردن این عقبه اجتماعی در جنوب سوریه بستری را فراهم می‌آورد که حفره‌هایی امنیتی به نفع ایران و متحدان منطقه‌ای ایران باز خواهد کرد. از این جهت تا حد امکان باید این منطقه حائل را حفظ کرده و جلوی اعمال نفوذ و حاکمیت سوریه بر مناطق جنوبی کشور را گرفت. حالا و با این اوصاف شاید بهتر بتوان درک کرد که چرا مداخله مستقیم اسرائیل در جنوب سوریه نه صرفاً یک اقدام نمادین نظامی و امنیتی، بلکه یکی از مسائل مهم و اصلی امنیتی آن‌ها محسوب می‌شود. نه فقط برای اسرائیل، بلکه برای ایران هم مهم محسوب می‌شود ولو اینکه جغرافیای درگیری تا مرزهای رسمی ایران حدود هزار کیلومتر فاصله داشته باشد.